سيرى در «نهج الفصاحه»

تحفه‏اى از دُر واژه‏هاى درخشان نبوى‏

محمد بهرام نسب‏

سخن، آينه روح است و برآيند و نتيجه افكار و انديشه‏هاى درونى سخنگوست. از اين رو قيمت و عيار هر سخن، با قيمت و عيار مكنونات درونى فرد رابطه مستقيم دارد و سخن هر گوينده‏اى، با ميزان عمق انديشه و افق فكرى‏اش ارزش گذارى مى‏شود.از اين لحاظ انسان‏ها با يكديگر متفاوتند و مرتبه سخن هر يك از آنان با ديگرى تفاوت دارد. بر اين اساس، آن گاه كه به مرتبه متوسط انسان‏ها، يعنى دانشمندان نظرى مى‏كنيم، مى‏بينيم كه در ميان آنها، سخن آن فردى قيمتى‏تر و مقبول‏تر است كه افق فكرى، عمق انديشه و علمش، بالاتر از ديگران باشد. اما در مرتبه بالاتر كه سخن از علوم اكتسابى نيست، موضوع كاملا متفاوت است؛ آنان كه فكر و انديشه و علمشان نه از سر تحصيل و اكتساب بشرى كه از وحى الهى وعلم بى نهايت حق تعالى سرچشمه گرفته است. صاحبان اين جايگاه و مرتبه رفيع، همان پيامبران الهى و چهارده معصوم - عليهم‏السلام - هستند كه در ميان آنان پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - داراى رفيع‏ترين مرتبه است و در جايگاهى ممتاز و برتر قرار دارد. از اين رو، سخن آن حضرت نيز در دايره سخنان بشرى، برترين و والاترين منزلت را داراست. كلام پيامبر - صلى اللَّه عليه و آله - از جهت قوت محتوا و حكمت‏آميز بودن در حد اعجاز است و اين بدان جهت است كه بنابر روايت، خود آن حضرت فرموده‏اند:

«اعطيتُ جوامعَ الكَلِم و اختُصِر لى الكلامُ اختصارا.»(1)

«كلمات جامع به من عطا شد و سخن براى من پيچيده و مختصر شد.»

آرى! كلام پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - همواره هم دوش و همنشين با «جامعيت» و آميخته با «حكمت» بوده است. جهت دوم، فصاحت و بلاغت بى نظير سخنان آن حضرت است، به طورى كه شيوايى و شيرينى كلامش همواره بى رقيب باقيمانده است آن سان كه بنابر روايت، خود فرموده است:

«أنا افصح العرب.»(2)

«من فصيح‏ترين عربم.»

اما جهت سوم كه مهمترين وجه تمايز و اساسى‏ترين بعد اعجاز كلام نبوى است، مصون بودن آن از هر گونه خطا، لغزش و انحراف است؛ زيرا پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از سوى حضرت حق، به تاج كرامت «و ما ينطق عن الهوى ان هو وحى يوحى»(3) آراسته شده است. آرى! پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - از روى هوا و هوس سخن نمى‏گويد بلكه هر آنچه بر زبان مباركش جارى مى‏شود، وحى الهى است. كلامى كه داراى چنين ويژگى‏هايى است برترين كلام خواهد بود؛ زيرا آن گونه است كه در دلهاى مخاطبان به راحتى نفوذ مى‏كند و آنان را تا سر حد عمل كردن به آن كلام، پيش مى‏برد.

نكته قابل توجه و تأمل در اين موضوع، لزوم پيروى عملى از سخنان آن حضرت، تا رسيدن به فلسفه بعثت آن وجود الهى است. آن حضرت بنا بر روايت فرمودند:

«انى بعثت لأتمم مكارم الاخلاق.»(4)

«من براى به كمال رساندن فضائل اخلاق مبعوث شدم.»

اين مكارم اخلاق، تنها براى كسى قابل تحصيل است كه در عمل، پيرو سخنان آن حضرت باشد. بنا به فرموده خداوند متعال، اطاعت از سخنان پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - بر همه مسلمانان لازم و واجب است:

«... ما آتيكم الرسولُ فخذوه وما نهيكم عنه فانتهوا...»(5)

«آنچه را پيامبر براى شما آورد بگيريد و از آنچه نهى كرد، خوددارى كنيد.»

البته اين پيروى، خالى از مزد و پاداش نيست؛ محبوب خداوند قرار گرفتن، غفران الهى، بهشت برين، رستگارى و هدايت از جمله اين پاداشهاست:

«قل ان كنتم تحبون الله فاتّبعونى يُحبِبكم الله و يغفر لكم ذنوبكم»(6)

«بگو: اگر خدا را دوست داريد، از من پيروى كنيد تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را ببخشايد.»

در اين آيه شريفه خداوند متعال، پاداش پيروى از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را «محبوب خدا شدن» و «آمرزش گناهان» قرار داده است. چنان‏كه در آيات ديگر اطاعت از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را چنين ستوده و مأجور دانسته است:

«... و من يُطع الله و رسولَهُ يدخله جنّات تجرى من تحتها الأنهار»(7)

«هر كس خدا و پيامبر او را اطاعت كند، خداوند او را در باغ هايى كه از زير (درختان) آن نهرهايى روان است در مى‏آورد.»

«و من يُطع اللهَ و رسولَهُ فقد فاز فوزاً عظيماً»(8)

«هر كس خدا و پيامبر او را اطاعت كند. قطعا به رستگارى عظيم نايل آمده است.»

«و ان تطيعوه تهتدوا...»(9)

«اگر او ( پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -) را اطاعت كنيد، هدايت خواهيد شد... .»

همان طور كه اطاعت از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در پى دارنده اجر و پاداش است، نافرمانى و تخلف از سخنان آن حضرت نيز عواقبى سخت به دنبال خواهد داشت. خداوند متعال مى‏فرمايد:

«و من يعص الله و رسولَهُ ويتعدّ حُدودَهُ يُدخله ناراً خالداً فيها و له عذاب مهين»(10)

«هر كس از خدا و پيامبر او نافرمانى كند و از حدود مقرر او تجاوز كند، خداوند او را در آتشى جاويدان داخل كند و براى او عذابى خفت بار است.»

در اين آيه كريمه، خداوند عاقبت نافرمانى از پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را «داخل شدن در آتش ابدى» و «عذاب خفت بار» معرفى كرده است. چنان كه در آيه ديگرى، محصول نافرمانى از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -را گمراهى آشكار دانسته است:

«و من يعصى الله و رسوله فقد ضل ضلالاً مبيناً»(11)

«هر كس كه از خدا و پيامبر او نافرمانى كند. به يقين دچار گمراهى آشكار شده‏است.»

كتاب شريف «نهج الفصاحه» مجموعه‏اى از سخنان پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - است كه در سه بخش كلى تنظيم شده است؛ بخش اول به كلمات آن حضرت؛ بخش دوم خطبه‏ها و بخش سوم به مثل هايى كه در كلام آن حضرت بوده، اختصاص يافته است. در بخش اول آن 3227 حديث از پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -، نقل شده است. جناب آقاى ابوالقاسم پاينده گردآورنده و مترجم اين كتاب، در پايان كتاب، فهرستى موضوعى را در 47 صفحه تنظيم كرده است كه استفاده از آن براى يافتن حديث مورد نظر، سودمند است.

در اين جا به نقل گلچينى از دُر واژه‏هاى نبوى از كتاب نهج‏الفصاحه مى‏پردازيم.

بخش اول: درس هايى از سخنان پيامبرصلى الله عليه وآله‏

1. آخرت فروشى‏

برخى از افراد در اثر خوگرفتن با لذت‏ها و زيبايى‏هاى دنيا، به تدريج به مرحله‏اى قدم مى‏گذارند كه اگر در مورد يا مواردى بين دو راهى دين و دنيا، معنويت و ماديت، خدا و شيطان قرار بگيرند، بدون كوچكترين تأمل يا ترديدى، راه دوم يعنى دنيا و ماديت و شيطان را بر مى‏گزينند، آرى! معامله آخرت ابدى، در برابر دنياى فانى و زودگذر. از اين افراد بدتر كسى است كه آخرتش را براى دنياى ديگران سودا كند. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - نسبت به اين خطر ايمان سوز چنين هشدار داده‏اند:

«شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنيا غيره.»(12)

«بدترين مردم كسى است كه آخرتش را به دنيايش بفروشد و از او بدتر كسى است كه آخرتش را براى دنياى ديگران بفروشد.»

2. عابدترين، پارساترين و بى نياز مردم‏

برخى گمان مى‏كنند رسيدن به مقامات بلند معنوى، كار بسيار پيچيده و دشوارى است و نيازمند روش هايى خاص است. غافل از اين كه تنها با عمل كردن به يك دستور العمل ساده و واضح، اين كار به مقصود خواهد رسيد: «انجام واجبات و ترك محرمات». از سويى عده‏اى بى نيازى را در به دست آوردن هر چه بيشتر پول مى‏دانند، در حالى كه در فرهنگ اسلام، بى نيازى حقيقى، بى نيازى دل از خواسته‏هاى ناصحيح است پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - به اين دو مطلب در ضمن موعظه حكيمانه‏اى چنين تذكر داده‏اند:

«أدّ ما افترض الله تعالى عليك تكن من أعبد الناس و اجتنب ما حرَّم الله عليك تكن من أورع الناس و ارضِ بما قسمه الله لك تكن من أغنى الناس.»(13)

«واجبات خدا را بجا آور تا عابدترين مردم باشى، و از محرمات خدا دورى كن تا پارساترين مردم باشى و به آنچه خدا برايت تقسيم كرده، راضى باش، تا بى نيازترين مردم باشى.»

3. دين دارى در آخرالزمان‏

هر چه زمان به جلو مى‏رود و پيشرفت‏هاى مادى بيشتر و بيشتر مى‏شود مظاهر دنيا دوستى و مادى گرايى بيشتر جلوه مى‏كند و از آنجا كه محبت دنيا، سرمنشأ همه خطاهاست، در چنين فضايى محيط براى وسيع‏تر شدن دامنه گناهان و به كنار نهادن دين و معنويت آماده‏تر مى‏شود.، پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«يأتى على الناس زمان الصابر منهم على دينه كالقابض على الجمر.»(14)

زمانى بر مردم خواهد آمد كه كسى كه بخواهد دين خود را نگه دارد، چنان باشد كه گويا بخواهد آتش را در دست نگه دارد»

4. خوشحالى درهنگام گناه‏

كسانى كه پرده حياى آنان چنان دريده است كه در هنگام گناه، نه تنها شرمسار و مضطرب نيستند بلكه خوشحال خندانند، اگر از عاقبت اين بى باكى و جسارت خود خبر داشتند، هيچ گاه در هنگام گناه چهره خوشحال به خود نمى‏گرفتند. پيامبر گرامى اسلام فرمودند:

«من اذنب و هو يضحك دخل النار و هو يبكى.»(15)

«هر كسى هنگام گناه مى‏خندد، داخل آتش خواهد شد، در حالى كه مى‏گريد.»

5. بدگويى در پشت سر ديگران‏

بدگويى و غيبت در غياب كسى، تنها به اين نيست كه عيبى بزرگ يا پنهان از او گفته شود بلكه دامنه غيبت، فراتر از اين مقدار است. هر چيزى كه اگر آن شخص بشنود كه درباره‏اش گفته شده خوشش نيايد و آن چيز خواه، عيبى از او باشد و خواه صفتى كه عيب نيست، ولى او از انتشارش خرسند نمى‏شود. حضرت محمد صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«الغيبة ذكرك اخاك بما يكره.»(16)

«غيبت آن است كه برادرت را به چيزى كه خوش ندارد، ياد كنى.»

6. دوستان آخرتى‏

آيا ملاك دوست خوب، برترى‏هاى او در مظاهر دنيايى (مانند پول، شهرت، نسب، زيبايى، مقام و...)است يا اوصاف الهى داشتن؟ پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره فرمودند:

«خيارُكم من ذَكَّركم بالله رُؤيته و زاد فى عِلمِكم مَنطقُهُ و رَغبَّكم فى الآخرة عملُهُ.»(17)

«بهترين شما كسى است كه ديدار او، خدا را به ياد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بيافزايد و رفتار و عملش، شما را به آخرت راغب كند.»

7. پرحرفى و پرگويى‏

بسيارى از گناهان كبيره با زبان انجام مى‏شود؛ غيبت، تهمت، طعن و كنايه، خودستايى، سمعه (اعمال نيك خود به گوش ديگران رساندن)، دروغ و ناسزاگويى، از جمله گناهانى است كه از زبان صادر مى‏شود. حفظ زبان از گناهان، كارى بس دشوار است كه تنها اولياى الهى در اين امر موفق اند. آنان بر اثر تمرين‏هاى مداوم نفس و مراقبتهاى دايمى به اين مهم دست يافته‏اند. اما كسانى كه چنين توانايى و قدرتى را ندارند تنها راه در امان بودن از ارتكاب گناهان زبانى، براى آنها، كمتر سخن گفتن و پرهيز از پرگويى است؛ زيرا كسى كه سخنش كم باشد، اشتباهاتش به حداقل مى‏رسد. پيامبر رحمت فرمودند:

«من كثر كلامه كثر سقطه و من كثر سقطه كثر ذنوبه و من كثر ذنوبه كانت النار اولى به.»(18)

«هر كس كلامش زياد باشد، لغزشش بسيار مى‏شود و هر كس لغزشش بسيار باشد، گناهانش زياد مى‏شود و هر كه گناهانش بسيار باشد، آتش دوزخ براى او شايسته‏تر است.»

حضرت در روايت ديگرى فرمودند:

«شرار امتى الثر ثارون.»(19)

«پرگويان و پرچانه‏ها، بدترين‏هاى امت منند.»

8. راز سلامتى بدن و قلب‏

جسم، مركب روح است و روح انسان در صورتى در رسيدن به كمالات با توفيق همراه خواهد بود كه مركبى راهوار و سالم داشته باشد، نه مركبى بيمار و درمانده. بسيارى از بيماريهاى جسمى از پرخورى ناشى مى‏شود و كسى كه جسمش مريض و بيمار باشد، روحش نيز در پيمودن مسير كمال، درمانده خواهد شد. پيامبر ارجمند اسلام فرمودند:

«من قل طعمه صح بدنه و من كثر طعمه سقم بدنه و قسا قلبه.»(20)

«هر كس كم بخورد، بدنش سالم مى‏ماند و هر كس بسيار بخورد، بدنش بيمار مى‏شود و قلبش را قساوت مى‏گيرد.»

9. آسان گرفتن و نرمى در رفتار

نبايد تصور كرد تنها راه موفقيت در معاشرت با ديگران يا تربيت فرزندان و اداره زندگى، سخت‏گيرى و خشونت در رفتار است؛ زيرا اگرچه چنين روشى به ظاهر امور را به پيش مى‏برد، اما در باطن امر، اين نوع رفتار باعث ايجاد عقده‏هاى رفتارى خواهد شد كه دير يا زود به سمت شخص سخت گير و يا افراد جامعه، سرازير خواهد شد در حالى كه آسان گرفتن و نرمى در رفتار البته به همراه تدبير و جديت در بعض مواقع - علاوه بر نداشتن چنين پيامد ناهنجارى، بسيار بهتر نتيجه مى‏دهد و آثار مبارك فراوانى در پى خواهد داشت، پيامبر در اين باره فرمودند:

«ألا اُخبركم بمن يَحرم عليه النارُ غداً؟ على كُلّ هَيّن لَئِّ قريب سهل.»(21)

«آيا مى‏خواهيد به شما خبر دهم كه فردا(روز قيامت)آتش بر چه كسى حرام است؟ بر هر كسى كه ملايم و نرمخو، زودجوش و آسانگير باشد.»

10. انجام علنى گناه‏

كسى كه گناهى را آشكارا مرتكب مى‏شود نسبت به كسى كه در پنهان گناهى از او سرزده، مستوجب عذاب بيشترى است؛ زيرا اين شخص يك گناه انجام داده لكن چون آشكارا بوده، در واقع، به طور ناخودآگاه چندين گناه ديگر نيز با انجام آن كار مرتكب شده است؛ از جمله سبك جلوه دادن حرمت احكام الهى، دريدن پرده حياى عمومى، انتشار و تبليغ عملى گناه و زمينه سازى براى گستاخ شدن افراد ديگر در انجام آن گناه و گناهان ديگر. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در نكوهش اين رفتار ناهنجار فرمودند:

«كل امّتى معافى الّا المجاهرين.»(22)

«همه امت من مورد عفو قرار مى‏گيرند، مگر آنان كه آشكارا گناه مى‏كنند.»

11. نورانيت و جلاى قلب‏ها

همان گونه كه جسم انسان بر اثر اثرپذيرى از محيط اطراف خود، هر از چند گاهى غبارآلود و آلوده مى‏شود و طراوت و شادابى خود را به طور موقت از دست مى‏دهد، روح و دل آدمى نيز چنين است. يعنى از محيط آلوده به گناه و غفلت اثرپذيرى كرده دچار غبار غفلت و آلودگى معصيت مى‏شود. علاج آلودگى جسم با نظافت ظاهرى امكان‏پذير است اما روح و دل انسان به پاك كننده و جلا دهنده‏اى معنوى احتياج دارد، پيامبر گرامى اسلام فرمودند:

«إنّ هذه القلوب تصدأ كما يصدأ الحديد. قيل فما جلاءها؟ قال: ذكر الموت و تلاوة القرآن.»

«دل‏ها مانند آهن زنگ مى‏زند. سؤال شد: صيقل دهنده و جلا دهنده آن چيست؟ آن حضرت فرمود:«ياد مرگ و تلاوت قرآن.»

12. آبرو دارى كردن‏

بسيار ممكن است اتفاق بيفتد كه وقتى در ميان جمعى نشسته‏ايم در آن جمع سخن از آبروى كسى به ميان آيد و شخصى درصدد غيبت يا تهمت يا تمسخر فرد غايب برآيد، در چنين شرايطى اگر از آبروى شخص مورد تهاجم دفاع كنيم، مورد توجه خاص خداوند واقع خواهيم شد. رسول رحمت محمد - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«من رد عن عرض أخيه ردّ الله عن وجهه النار.»

«هر كس از آبروى برادر دينى خود دفاع كند، خداوند، آتش را از چهره او باز مى‏دارد.»

13. رباترين ربا

عمل ربا از گناهان بزرگى است كه در دين مبين اسلام به شدت نهى شده‏است. به طورى كه در قرآن كريم از مرتكب شونده آن به عنوان كسى كه به جنگ با خدا برخاسته تعبير شده است.(23) اين ميزان نهى از سوى اسلام، به جهت آثار بسيار خانمان سوز اين عمل است. اين در حالى است كه در نگاه پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - ريختن آبروى ديگران و در پوست اين و آن رفتن، به عنوان رباترين ربا ناميده شده است كه حاكى از نهايت سنگينى اين گناه دارد. پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«أربى الربا شتم الأعراض.»(24)

«رباترين ربا، ناسزايى است كه درباره آبروى مردم گفته شود.»

14. ايمان و حيا

حيا محصول اخلاق دينى است و در واقع نمود خارجى آن به شمار مى‏آيد. در پرتو حياست كه دين و ايمان فرد زمينه رشد پيدا مى‏كند؛ زيرا تنها قلبى كه به تواضع درونى يعنى حيا آراسته شده باشد، آمادگى پذيرش آموزه‏هاى اخلاقى را دارد. از اى نرو كسى كه هتاك و جرى شده باشد اين زمينه قلبى را رد و به تدريج دين و ايمان او، زايل مى‏شود، پيامبر عظيم الشأن اسلام فرمودند:

«الحياء و الإيمان قرنا جميعاً فاذا رفع أحدهما رفع الآخر.»(25)

«حيا و ايمان، قرين يكديگرند، اگر يكى از آن دو برود، ديگرى هم خواهد رفت.»

15. ملاك دروغگو بودن‏

دروغگو كسى است كه سخنى را كه مى‏گويد با واقعيت تطابق ندارد. يكى از صفاتى كه انسان را به اين مرحله مى‏كشاند اين است كه انسان هرچه را مى‏شنود، بازگو كند، بدون آن كه در هنگام بازگو كردن بداند چه سخنى را مى‏گويد. پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«كفى بالمرء كذباً أن يحدث لكل ما سمع.»(26)

«در دروغگو بودن فرد همين بس كه هرچه را شنيد، نقل كند.»

«كفى بالمرء إثماً أن يحدث لكل ما سمع.»(27)

«در گناه كار بودن فرد همين بس كه هرچه را شنيد نقل كند.»

16. تقواى هميشگى‏

تقوايى حقيقى و واقعى است كه زمان و مكان و شرايط نشناسد. كسى كه تنها وقتى دچار مشكل و سختى مى‏شود به ياد خدا و دستورهاى او مى‏افتد و تقوا پيشه مى‏شود، در واقع، تقوا براى او ابزارى براى رسيدن به منافع و اميال نفسانى است كه به محض حل شدن مشكل، آن را به كنار خواهد گذاشت. معصومان - عليهم‏السلام - كه در همه ابعاد زندگى يگانه الگوى جاويد براى ما هستند در سيره عملى خود، تقوايى را معرفى كرده‏اند كه در هر زمان، مكان و شرايطى، پايدار و برقرار باشد. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در پندى حكيمانه در اين خصوص فرموده است:

«اتق الله فى عسرك و يسرك.»(28)

«تقواى الهى را در سختى و خوشى(راحتى)رعايت كن.»

17. سحرخيزى و رزق‏

يكى از آداب اسلام، سحرخيزى و بهره‏گيرى از ساعات اوليه روز است، و وقت سحر، به خصوص فاصله بين اذان صبح تا طلوع آفتاب، هنگام تقسيم رزق‏ها معرفى شده است. از اين رو كسى كه اين زمان از شبانه روز را درك كند، در آن روز، از رزق مخصوصى بهره‏مند خواهد شد و در مقابل، آن كه در اين وقت در خواب به سر برد، از اين رزق محروم خواهد بود. رسول اكرم حضرت محمد - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -در اين باره فرمودند:

«الصبحة تمنع الرزق.»(29)

«خواب صبحگاهى مانع روزى است.»

«تسحروا فان فى السحور بركة.»(30)

«سحرخيز باشيد؛ زيرا سحرخيزى مايه بركت است.»

18. بهترين بندگان‏

اسلام بر «خوش خلقى» بسيار تأكيد كرده‏است، به طورى كه اسلام براى انسان خوش اخلاق، ثواب كسى را كه هميشه روزها را روزه و شبها را به عبادت قيام مى‏كند، در نظر گرفته است. اين به جهت آثار فراوان «خوش خلقى» است، آثارى همچون ايجاد فضاى مهربانى و صميميت در ميان مؤمنان، استحكام رابطه قلبى ميان مؤمنان و ترويج فرهنگ گذشت و ايثار. حضرت محمد - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«أحب عباد الله إلى الله أحسنهم خلقاً.»(31)

«بهترين بندگان در نزد خدا، خوش اخلاق‏ترين آنهاست.»

19. دعوت به هدايت و دعوت به گمراهى‏

گفتار و كردار هر انسانى، خواسته يا ناخواسته، تبليغ عملى و نوعى دعوت است. ممكن است اين دعوت، دعوت به خوبيها و يا دعوت به بديها باشد. آنان كه خدا محورند، همواره گفتار و عملشان، دعوت به هدايت و خوبيهاست و آنان كه هوس محور و شيطان منش‏اند پيوسته عمل و گفتارشان، دعوت به گمراهى و بديهاست. پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«أيّما داع دعا الى ضلالة فاتبع فان عليه مثل أوزار من اتبعه و لا ينقص من أوزارهم شيئا و أيما داع دعا الى هدى فاتبع فان له مثل اجور من اتبعه و لاينقص من اجورهم شيئا.»(32)

«هر دعوت كننده‏اى كه به گمراهى دعوت كند و مورد تبعيت قرار گيرد، گناهان تبعيت كنندگان را به دوش مى‏كشد، بدون آن كه از گناهان خود آنها چيزى كم شود؛ و هركه به هدايت دعوت كند و مورد تبعيت واقع شود، براى او ثواب همه تبعيت كنندگان، نوشته مى‏شود، بدون آن كه از ثواب خود آنها چيزى كم شود.»

20. هم نشينى با بدان‏

در بعضى از روايات آمده است كه اگر مى‏خواهيد كسى را بشناسيد، ببينيد با چه كسى دوستى مى‏كند. يعنى از دوست و هم نشين هر كس مى‏توان به خوبى يا بدى خود آن فرد پى برد. در عرف مردم نيز چنين است، به طورى كه براى شناخت خصوصيات اجمالى و كلى يك فرد، سراغ احوال دوستان و همنشينان او را مى‏گيرند. پيامبر گرامى اسلام فرمودند:

«اولى الناس بالتهمة من جالس أهل التهمة.»(33)

«كسى كه با انسان‏هاى مورد اتهام هم نشينى كند، بيش از همه سزاوار تهمت است.»

حضرت در سخن حكيمانه ديگرى فرمودند:

«اختبروا الناس بأخدانهم فان الرجل يخادن من يعجبه.»(34)

«مردم را از معاشرانشان بشناسيد؛ زيرا هر كس با فردى كه او را به شفگت آورد، معاشرت مى‏كند.»

21. ميل و علاقه قلبى‏

ميل و علاقه قلبى، شرط به ثمرنشستن هر كارى است. كسى كه بر خلاف ميل باطنى و علاقه قلبى خود، دست به كار مى‏زند، موفقيت چندانى عايدش نمى‏شود، به طورى كه يا كار را به انجام نمى‏رساند يا به طور ناقص و بى كيفيت از آن فارغ مى‏شود. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره فرمودند:

«إذا حاك فى نفسك شي‏ء فدعه.»(35)

«وقتى دل تو از كارى چركين است، از آن چشم بپوش.»

22. سمعه (به گوش ديگران رساندن)

فخرفروشى از نوع خودستايى، ابزار انسان‏هاى ضعيف و درمانده است. آنان كه به جهت فرار از درد انزوا و احساس عقب ماندگى، آستين غرور و تكبر را بالا مى‏زنند و به آشكارترين ريا، يعنى خودستايى متوسل مى‏شوند تا بلكه با به گوش ديگران رساندن اوصاف خويش، وجهه‏اى هر چند دروغين براى خود دست و پا كنند. رسول حكمت حضرت محمد - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در نكوهش شديدى در اين باره فرمودند:

«من سمع الناس بعلمه سمع الله به مسامع خلقه يوم القيامة و حقره و صغره.»(36)

«هر كس، گوش مردم را از علم خود پر كند(به گوششان برساند و به آن ببالد)، خداوند در روز قيامت، گوش مردم را از رسوايى او پر كند و او را حقير و كوچك مى‏كند.»

23. همه چيز فداى دين‏

انسان‏ها همواره دو دسته‏اند؛ گروهى آن قدر، ايمان و دين برايشان مهم است كه حاضرند در راه بقاى آن نه تنها از مال خود، كه حتى از جان مايه بگذارند، به طورى كه همواره دغدغه دين‏مدارى و خداخواهى دارند، نه دنياطلبى و خودخواهى. از اين رو، بر حفظ دين و ايمان خويش، حريص‏ترند تا مال و جان خود. در مقابل، عده‏اى نيز هستند كه نه تنها مال و جان خويش را فداى ايمان و دين نمى‏كنند، كه در بسيارى موارد دين و ايمان خود را براى رسيدن به مال يا مقام، نان يا نام، معامله مى‏كنند. اين گروه زيان كارترين انسان‏ها هستند؛ زيرا هنگامى كه عمرشان به پايان رسد هر آنچه از راه غيرمشروع به دست آورده‏اند، بايد بگذارند و بروند و با ابديت سياه خويش دست و پنجه نرم كنند. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«من استطاع منكم أن يقى دينه و عرضه بماله فليفعل.»(37)

«هر كس از شما كه مى‏تواند با مالش، دين و آبروى خود را حفظ كند اين كار را انجام دهد.»

«نعم العون على تقوى الله، المال.»(38)

«چه نيكو ياورى است مال، براى رعايت تقواى الهى.»

24. گذشت و بخشش‏

انسان نبايد انتظار داشته باشد بيش از آنچه كه با ديگران رفتار مى‏كند، با او رفتار شود، بلكه اگر خوب باشد با او به خوبى، و اگر بد باشد با او به بدى رفتار خواهد شد حتى خداوند متعال در چگونگى رفتارش با بندگان، عمل خود آنها را معيار قرار مى‏دهد. در بعضى از روايات است كه خداوند تنها به كسى رحم مى‏كند كه آن شخص به ديگران رحم كند. يعنى كسى كه نسبت به مردم اهل رحم و گذشت نباشد، نبايد از خداوند متعال انتظار رحم و گذشت داشته باشد پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«اسمح يسمح لك.»(39)

«سهل و آسان بگير، تا بر تو سهل و آسان بگيرند.»

25. شجاع‏ترين مردم‏

در مكتب پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -، انسان شجاع كسى نيست كه در جدال و درگيرى‏هاى فيزيكى بى باك و نترس و اهل تهاجم و حمله باشد، بلكه فرد شجاع كسى است كه در جبهه نبرد هميشگى با نفس اماره خود، همواره بر هوس‏ها و ميل‏هاى نفسانى حرام چيره شود و پيوسته، پيروز اين ميدان باشد. رسول خدا حضرت محمد - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -، فرموديد:

«اشجع الناس من غلب هواه.»(40)

«شجاع‏ترين مردم كسى است كه بر خواسته‏هاى نفسانى و هوسش غلبه كند.»

26. آزار رساندن به ديگران‏

آزار رساندن به هركس و به هرميزان كه باشد، از سوى عقل و شرع محكوم شده است. در اسلام از آزار به حيوانات نهى شده است چه رسد به انسان مؤمن كه در نزد خدا احترام ويژه دارد. طبق روايات احترام مؤمن در نزد خدا از كعبه بالاتر است. مهم‏تر وپرعذاب‏تر از آزار رساندن به بدن، آزار دادن روح و جان افراد است. ممكن است با يك طعن يا تمسخر يا شوخى. و يا يك تذكر نابجا، قلب يك انسان به درد آيد و روحش آزرده شود. پيامبر اكرم صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره فرمودند:

«كل موذ فى النار.»(41)

«هر اذيت كننده‏اى در آتش است.»

«أشد الناس عذابا للناس فى الدنيا أشد الناس عذاباً عندالله يوم القيامة.»(42)

«كسى كه در دنيا مردم آزاريش بيشتر و شديدتر از ديگران باشد، در روز قيامت در نزد خداوند، عذابش از همه مردم سخت‏تر خواهد بود.»

27. خدمت به همسر در خانه‏

بر خلاف آنچه كه اكنون در ميان برخى افراد جامعه، خدمت مرد به همسر در خانه، نوعى خوارى قلمداد مى‏شود، در مكتب اخلاقى پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -، و سيره عملى آن حضرت خدمت كردن مرد در خانه به همسرش، نوعى عبادت به حساب مى‏آيد و حتى در بعضى از روايات اين كار، موجب بخشش گناهان بزرگ مرد دانسته شده است. اين همكارى و هميارى اگرچه مقدار و مدتش كم و كوتاه باشد، اما آثار مبارك فراوانى در پى دارد؛ زيرا نوعى تشكر عملى از همسر است و باعث بيشتر شدن فضاى محبت و صميميت در خانه مى‏شود. علاوه بر اين كار، عملا نوعى دعوت غير مستقيم از فرزندان براى مشاركت در انجام كارهاى خانه به حساب مى‏آيد. حضرت ختمى مرتبت، محمد مصطفى - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در اين باره فرمودند:

«خدمتك زوجتك صدقة.»(43)

«خدمت تو به همسرت، صدقه است.»

بنا بر روايتى پيامبر اكرم فرمودند:

«يا على! از من بشنو و من جز آنچه خدا فرمان داده است نمى‏گويم. هر مردى كه همسرش را در [كار] خانه كمك كند به تعداد موهاى بدنش يك سال عبادت برايش به حساب مى‏آورند؛ سالى كه روزهايش روزه بوده و شبهايش را قيام كرده باشد. اى على! كسى كه در خدمت خانواده‏اش در خانه باشد و خودخواهى نورزد آفريدگار نامش را در ديوان شهيدان مى‏نويسد و براى هر قدمش يك حج و يك عمره پاداش مى‏دهد. اى على! ساعتى را در خدمت همسر بودن برتر است از هزار سال عبادت و هزار حج و هزار عمره و آزاد كردن هزار بنده و شركت در هزار جهاد و عيادت هزار مريض و حضور در هزار نماز جمعه و شركت در هزار تشييع جنازه و سير كردن هزار گرسنه و آزاد كردن هزار اسير. اى على! خدمت به همسر كفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو مى‏نشاند!»(44)

28. عاقبت انديشى در كارها

كسى كه قبل از انجام هر كارى به عاقبت آن فكر مى‏كند، از عواقب زيان بار در امان است، اما آن كه تنها به جلوى پاى خويش نگاه مى‏كند، بايد منتظر افتادن در چاه باشد. در جزيى‏ترين امور زندگى، ثمره رعايت اين نكته، كاملا محسوس است چه رسد به امور كلان و بنيادين. عاقبت انديشى مهم‏ترين ركن، در امور اخلاقى است. اگر انسانى به مشقت ترك گناه تن مى‏دهد، به عاقبت خوش آن، يعنى رضوان و رحمت الهى مى‏رسد. و اگر فردى تن به خوارى انجام گناه مى‏دهد، از عاقبت آن كه غضب الهى در امان نخواهد بود.

تفاوت آنان كه فرهنگ زندگى شخصى و خانوادگى خود را با آموزه‏هاى دينى و الهى شكل مى‏دهند، با آنان كه اين فرهنگ را از آموزه‏هاى غربى و شيطانى مى‏گيرند نيز از همين قبيل است. پيامبر اعظم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - فرمودند:

«اذا أردت ان تفعل أمراً فتدبر عاقبته فان كان خيراً فامضه و إن كان شراً فانته.»(45)

«هر گاه اراده انجام كارى را كردى، درباره عاقبت آن تدبر كن، اگر عاقبت آن خير بود انجام بده و اگر شر بود، ترك كن.»

29. نصيحت و اندرز

هيچ كس از نصيحت و موعظه بى نياز نيست. موعظه و اندرز در رشد كمالات فردى و اجتماعى جامعه بسيار مؤثر است؛ زيرا پيامد آن توجه به اشتباه‏ها و رفع آنها از يك سو، و آگاهى از دارايى‏ها و حفظ و تقويت آنها از سويى ديگر است.امر به معروف و نهى از منكر كه از واجبات دين اسلام است از مصاديق همين موضوع است. آنچه در «موعظه» بايد مورد توجه باشد اين است كه اگر واعظ بخواهد موعظه‏اش در مخاطب اثر گذار باشد بايد قبل از موعظه، خود، عامل به آن باشد. پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در مورد ضرورت موعظه فرمودند:

«اذا وجد احدكم لأخيه نصحا فى نفسه فليذكره له.»(46)

«اگر كسى در خاطر خود، نصيحتى را براى برادرش يافت، بايد آن را به او بگويد.»

30. انتظار داشتن از مردم‏

برخى از افراد در تعامل با ديگران، از بدرفتارى و بدگمانى و بدخواهى باكى ندارند، اما دوست ندارند كسى نسبت به آنان، بدرفتار يا بدگمان يا بدخواه باشد. و از طرف ديگر، از خوش رفتارى، حسن ظن و خيرخواهى نسبت به ديگران پرهيز دارند، اما انتظار دارند همه مردم با آنان خوش رفتارى كنند و داراى حسن ظن و خيرخواه باشند. به عنوان مثال، دوست دارند نسبت به ديگران دروغ بگويند، تهمت بزنند، غيبت كنند، چشم اندازى به ناموس ديگران بكنند و صدها مورد از اين دست، اما دوست ندارند هيچ كس اين اعمال را نسبت به آنان مرتكب شود. يكى از درس‏هاى مكتب پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - كه هزاران فايده اخلاق مدارى در آن نهفته است - اين است:

«هر چه براى خود مى‏پسندى براى ديگران نيز بپسند و آنچه براى خود نمى‏پسندى براى ديگران نيز مپسند.»

كسى كه درصدد اعمال اين درس در رفتار شخصى و اجتماعى خود باشد؛ همواره خيرخواه مردم خواهد بود و هيچ گاه بدخواه كسى نمى‏شود و از طرف ديگر، همواره به دليل اين رفتارش مردم نيز خيرخواه او بوده، هيچ گاه بدش را نمى‏خواهند. برخى از هزاران فايده‏اى كه در اين درس نهفته است بدين قرار است كه عامل به اين درس، چون خيرخواه همه است، همواره به ديگران كمك مى‏كند، اهل گذشت و عفو است، خوش خُلق و مهربان است، موفقيت و پيشرفت ديگران را موفقيت و پيشرفت خود مى‏داند و شكست و ناكامى ديگران، شكست و ناكامى خود تلقى مى‏كند از طرفى، چون بدخواه كسى نيست از حسد و سنگ اندازى در كار ديگران و كينه و دشمنى نسبت به آنها به دور است، اهل شماتت و تهمت و غيبت نيست و هيچ گاه بدگمانى نسبت به مردم به دل راه نمى‏دهد. پيامبر اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - در تعليم اين درس بزرگ فرمودند:

«أفضل الايمان أن تحبّ لله و تبغض لله و تعمل لسانك فى ذكر الله و أن تحب للناس ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و أن تقول خيرا أو تصمت.»(47)

«بهترين ايمان اين است كه دوست داشتن و دشمن داشتن تو براى خدا باشد و زبانت را در ذكر خدا به كارگيرى و آنچه براى خود دوست مى‏دارى، براى مردم هم دوست بدارى و آنچه را براى خود خوش نمى‏دارى، براى ديگران هم خوش ندارى و سخن نيك بگويى يا سكوت اختيار كنى.»

حضرت در سخن ديگرى فرمودند:

«احبب للناس ما تحب لنفسك.»(48)

«آنچه براى خود دوست مى‏دارى (و مى‏پسندى) براى مردم دوست بدار.»

بخش دوم: درواژه‏هايى از پيامبر اعظم‏صلى الله عليه وآله‏

1. دنيا به حد كفاف‏

«اتركوا الدنيا لأهلها فانه من اخذ منه فوق ما يكفيه اخذ من حتفه و هو لا يشعر.»(49)

«دنيا را براى اهل آن واگذاريد زيرا هر كس از دنيا بيش از حد كفافش برگيرد، در هلاك خويش مى‏كوشد، در حالى كه نمى‏داند.»

2. پيام جبرئيل امين‏عليه السلام‏

«أتانى جبرئيل فقال يا محمد عش ما شئت فانك ميت و احبب ما شئت فانك مفارقه و اعمل ما شئت فانك مجزى به و اعلم ان شرف المؤمن قيامه بالليل و عزه استغناؤه عن الناس.»(50)

«جبرئيل نزد من آمد و گفت: اى محمد هر چه مى‏خواهى زندگى كن(اما بدان)كه عاقبت خواهى مرد؛ هر چه را مى‏خواهى دوست بدار(اما بدان)كه از آن جدا خواهى شد؛ هر عملى مى‏خواهى انجام بده(اما بدان)كه جزايش را خواهى ديد.

بدان كه شرافت مؤمن قيامش در شب و عزت او بى نياز دانستن خود از مردم است.»

3. محو گناهان‏

«اتق الله حيثما كنت و اتبع السيئة الحسنة تمحها و خالق الناس بخلق حسن.»(51)

«هر كجا هستى تقواى الهى را رعايت كن و به دنبال گناه، كار نيكى كن تا آن را محو كند و با مردم با خلق خوش رفتار كن.»

4. بهترين اعمال‏

«احب الاعمال الى الله الصلاة لوقتها ثم بر الوالدين ثم الجهاد فى سبيل الله.»(52)

«بهترين اعمال درنزد خدا، نماز خواندن در وقتش، سپس نيكى به والدين و سپس جهاد در راه خداست.»

5. حشر با رياكاران‏

«احذر أن يرى عليك آثار المحسنين و انت تخلو من ذلك فتحشر مع المرائين.»(53)

«بر حذر باش از اين كه آثار نيكان درتو ديده شود، در حالى كه از درون خالى باشى، زيرا در اين صورت با رياكاران محشور مى‏شوى.»

6. فايده اخلاص‏

«اخلص دينك يكفيك القليل من العمل.»(54)

«دينت را خالص كن تا عمل اندك، تو را كافى باشد.»

7. حكمت ابتلاء

«اذا احب الله عبداً ابتلاه ليسمع تضرعه.»(55)

«وقتى خدا بنده‏اى را دوست بدارد، او را مبتلا مى‏كند تا تضرع او را بشنود.»

8. روا كنندگان حاجت‏

«اذا أراد الله بعبد خيراً صير حوائج الناس اليه.»(56)

«وقتى خدا بخواهد خيرى را به بنده‏اى برساند حاجت‏هاى مردم را در دست او قرار مى‏دهد.»

9. خودبينى مفيد

«اذا اردت ان تذكر عيوب غيرك فاذكر عيوب نفسك.»(57)

«هر گاه خواستى عيوب كسى را ياد كنى، عيوب خودت را ياد كن»

10. حريم نامحرم‏

«اذا استعطرت المرأة فمرت على القوم ليجدوا ريحها فهى زانية.»(58)

«اگر زنى خود را معطر كند و بر گروهى بگذرد تا بوى او را دريابند، زناكار است.»

11. جايگاه خداترسى‏

«اذا خاف الله العبد اخاف الله منه كل شى‏ء و اذا لم يخف العبد الله اخافه الله من كل شى‏ء.»(59)

«اگر بنده‏اى از خداى بترسد خدا همه چيز را از او بترساند و اگر بنده از خدا نترسد، خدا او را از همه چيز بترساند.»

12. راه كنترل غضب‏

«اذا عضبت فاسكت.»(60)

«هر گاه غضب كردى، سكوت كن.»

13. عقوبت قدرنشناس‏

«اذا قالت المرأة لزوجها ما رأيت منك خيراً قط فقد حبط عملها.»(61)

«وقتى زنى به شوهر خود بگويد: من از تو هرگز خيرى نديدم، عملش نابود مى‏شود.»

14. معيار مؤمن بودن‏

«اذا سرتك حسنتك و ساءتك سيئتك فأنت مؤمن.»(62)

«اگر كار نيكت تو را خوشحال و كار بدت تو را دلگير كند، مؤمن هستى.»

15. نشانه‏هاى بدبختى‏

«أربع خصال من الشقاء ؛ جمود العين و قساوة القلب و بعد الأمل و حب البقاء.»(63)

«چهار خصلت از نشانه‏هاى بدبختى است: خشكى چشم و قساوت قلب و طولانى بودن آرزو و حب بقاء.»

16. فايده ترحم و گذشت‏

«ارحموا ترحموا و اغفروا يغفر لكم.»(64)

«رحم كنيد تا به شما رحم كنند و ببخشيد تا شما را ببخشند.»

17. آمادگى براى رفتن‏

«استعد للموت قبل نزول الموت.»(65)

«قبل از آمدن مرگ، خودت را برايش آماده كن.»

18. دشمن پنهان‏

«اعدى عدوك نفسك التى بين جنبيك.»(66)

«دشمن‏ترين تو، نفس توست كه در ميان دو پهلويت است.»

19.عاقل‏ترين مردم‏

«اعقل الناس اشدهم مداراة للناس.»(67)

«عاقل‏ترين مردم كسى است كه بيش از همه اهل مدارا با مردم باشد.»

20. فقط خدا

«اعلم أن الخلايق لو اجتمعوا على أن يعطوك شيئاً و لم يرد الله أن يعطيك لم يقدروا عليه أو يصرفوا عنك شيئاً أراد الله أن يصيبك به لم يقدروا على ذلك فاذا سئلت فاسأل الله و إذا استعنت فاستعن بالله.»(68)

«بدان كه اگر همه خلايق جمع شوند تا چيزى به تو بدهند و خدا اراده نكرده باشد آن چيز را به تو بدهد، نمى‏توانند آن را به تو دهند و اگر همه آنها بخواهند چيزى را كه خدا خواسته به تو برسد از تو منع كنند، نمى‏توانند. پس وقتى چيزى مى‏خواهى از خدا بخواه و هر گاه كمك مى‏طلبى از خدا بطلب.»

21. برترين فضيلت‏ها

«أفضل الفضائل أن تصل من قطعك و تُعطى من حرمك و تصفح عمن ظلمك.»(69)

«بهترين فضايل اين است كه با كسى كه با تو قطع رابطه كرده، پيوند برقرار كنى، و به كسى كه تو را محروم كرد، عطا كنى و از كسى كه به تو ظلم كرد، در گذرى.»

22. آسان شدن مرگ‏

«اقل من الذنوب يهن عليك الموت.»(70)

«گناه كمتر كن تا مرگ بر تو آسان شود.»

23. اكرام علماء

«اكرموا العلماء فانهم ورثة الانبياء فمن اكرمهم فقد اكرم الله و رسوله.»(71)

«علماء را اكرام كنيد؛ زيرا آنان وارثان پيامبرانند و هر كه آنان را اكرام كند، خدا و پيامبر - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله - را اكرام كرده.»

24. آسان‏ترين عبادت‏

«ألا أخبركم بأيسر العبادة و أهونها فى البدن، الصمت و حسن الخلق.»(72)

«آيا شما را به آسان‏ترين و سبك‏ترين عبادت بر بدن خبر بدهم؟ سكوت و حسن خلق.»

25. گرسنگان روز قيامت‏

«ان أكثر الناس شبعاً فى الدنيا اطولهم جوعاً يوم القيامة.»(73)

«كسى كه در دنيا از همه مردم سيرتر است، در روز قيامت از همه گرسنه‏تر خواهد بود.»

26. قطع روزى‏

«انّ الرجل ليحرم الرزق بالذنب يصيبه و لايرد القدر الّا الدعاء و لا يزيد فى العمر الّا البر.»(74)

«انسان به سبب گناه از رزق محروم مى‏شود و تقدير بر نمى‏گردد مگر به دعا كردن و عمر طولانى نمى‏شود، مگر با نيكى كردن.»

27. اثر صدقه دادن‏

«انّ الصدقة لتطفى غضب الرب و تدفع ميتة السوء.»(75)

«صدقه خشم خداوندرا خاموش و مرگ بد را دفع مى‏كند.»

28. اثر ويرانگر عجب‏

«إنّ العجب ليحبط عمل سبعين سنة.»(76)

«عجب (خودپسندى و غرور)، اعمال نيك هفتاد ساله را نابود مى‏كند.»

29. فرو نشاندن غضب‏

«انّ الغضب من الشيطان و ان الشيطان خلق من النار و انما تطفأ النار بالماء فاذا غضب احدكم فليتوضأ.»(77)

«غضب از شيطان است و شيطان از آتش خلق شده و آتش با آب خاموش مى‏شود، پس هر گاه يكى از شما غضبناك شد، وضو بگيرد.»

30. آب كننده گناهان‏

«إن حسن الخلق ليذيب الخطيئة كما تذيب الشمس الجليد.»(78)

«خوش خلقى، گناه را محو مى‏كند، همان طور كه خورشيد يخ را آب مى‏كند.»

31. دست برداشتن از حرام‏

«إنك لا تدع شيئاً اتقا الله الّا اعطاك الله خيراً منه.»(79)

«اگر به سبب تقواى الهى از چيزى دست بكشى، خدا بهتر از آن را به تو مى‏دهد.»

32. بركت ميهمان‏

«الضيف يأتى برزقه و يرتحل بذنوب القوم، يمحص عنهم ذنوبهم.»(80)

«ميهمان رزق خود را(با خود) مى‏آورد و گناهان اهل خانه را (با خود)مى‏برد و گناهان آنان را پاك مى‏كند.»

33. ازدواج در سن جوانى‏

«أيّما شاب تزوج فى حداثة سنه عج شيطانه يا ويله عصم منى دينه.»(81)

«هر جوانى كه در آغاز جوانى ازدواج كند، شيطانش فرياد مى‏زند: واى بر او، كه دين خود را از دست من حفظ كرد.»

34. انتقام خداوند

«يا أيّها الناس اتقوا الله فوالله لايظلم مؤمن مؤمنا الا انتقم الله تعالى منه يوم القيامة.»(82)

«اى مردم! تقواى خد را رعايت كنيد، به خدا قسم مؤمنى كه به مؤمن ديگر ظلم كند، خداوند در روز قيامت از او انتقام مى‏گيرد.»

35. پدر دوم‏

«الأكبر من الاخوة بمنزلة الأب.»(83)

«برادر بزرگتر، به منزله پدر است.»

36. تعريف ايمان‏

«الإيمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان.»(84)

«ايمان عبارت است از معرفت قلبى و گفتار زبانى و عمل جوارحى.»

37. توبه فراوان‏

«توبوا إلى الله تعالى فأنّى أتوب إليه كل يوم مائة مرّة.»(85)

«به سوى خداى متعال توبه كنيد، همانا من در هر روز صد بار به سوى او توبه مى‏كنم.»

38. تب و بيمارى‏

«الحمى حظ كل مؤمن من النار و حمى ليلة تكفر خطايا سنة.»(86)

«تب نصيب هر مؤمن از آتش است و تب يك شب، گناهان يك سال را پاك مى‏كند.»

39. زنا كردن چشم‏

«زنا العينين النظر.»(87)

«زناى چشمان، نگاه (حرام) است.»

40. نابود كنندگان اعمال نيك‏

«ستة اشياء تحبط الاعمال: الاشتغال بعيوب الناس و قسوة القلب و حب الدنيا و قلة الحياء و طول الأمل و ظالم لا ينتهى.»(88)

«شش چيز است كه اعمال را نابود مى‏كند: مشغول شدن به عيوب مردم، قساوت قلب، دوستى دنيا، كمى حيا، بلندى آرزو و ظالمى كه كوتاه نيايد.»

پي نوشت ها:

1) نهج‏الفصاحه، مجموعه كلمات حضرت رسول اكرم - صلى‏اللَّه‏عليه‏وآله -، ابوالقاسم پاينده (مترجم و گردآورنده)، نشر جاويدان، 1376 ش، حديث 348.

2) همان، حديث 551.

3) پيامبر) از سر هوس سخن نمى‏گويد، سخن او به جز وحى كه وحى مى‏شود نيست.» سوره نجم (53) آيه 3 - 4.

4) نهج الفصاحة، حديث 944.

5) سوره حشر (59) آيه 7.

6) سوره آل عمران (3) آيه 31.

7) سوره فتح (48) آيه 17.

8) سوره احزاب (33) آيه 71.

9) سوره نور (24) آيه 54.

10) سوره نساء (4) آيه 14.

11) سوره احزاب (33) آيه 36.

12) نهج الفصاحه، حديث 1799.

13) همان، حديث 115.

14) همان، حديث 3205.

15) همان، حديث 2959.

16) همان، حديث 2044.

17) همان، حديث 1478.

18) همان، حديث 2751.

19) همان، حديث 1804.

20) همان، حديث 2779.

21) همان، حديث 459.

22) همان، حديث 2167.

23) سوره بقره آيه 279.

24) نهج الفصاحة، حديث 260.

25) همان، حديث 1429.

26) همان، حديث 2130.

27) همان، حديث 2136.

28) همان، حديث 33.

29) همان، حديث 1857.

30) همان، حديث 1149.

31) همان، حديث 84.

32) همان، حديث 1026.

33) همان، حديث 975.

34) همان، حديث 106.

35) همان، حديث 196.

36) همان، حديث 2821.

37) همان، حديث 2965.

38) همان، حديث 3136.

39) همان، حديث 293.

40) همان، حديث 299.

41) همان، حديث 2171.

42) همان، حديث 302.

43) همان، حديث 1435.

44) بحارالانوار، ج 104، باب 6، فضل خدمةالعيال، ص 132.

45) همان، حديث 171.

46) همان، حديث 245.

47) همان، حديث 392.

48) همان، حديث 87.

49) همان، حديث 32.

50) همان، حديث 25.

51) همان، حديث 46.

52) همان، حديث 70.

53) همان، حديث 92.

54) همان، حديث 110.

55) همان، حديث 138.

56) همان، حديث 144.

57) همان، حديث 172.

58) همان، حديث 177.

59) همان، حديث 201.

60) همان، حديث 225.

61) همان، حديث 226.

62) همان، حديث 214.

63) همان، حديث 255.

64) همان، حديث 263.

65) همان، حديث 276.

66) همان، حديث 338.

67) همان، حديث 358.

68) همان، حديث 361.

69) همان، حديث 413.

70) همان، حديث 433.

71) همان، حديث 450.

72) همان، حديث 462.

73) همان، حديث 605.

74) همان، حديث 624.

75) همان، حديث 646.

76) همان، حديث 656.

77) همان، حديث 660.

78) همان، حديث 845.

79) همان، حديث 876.

80) همان، حديث 1894.

81) همان، حديث 1034.

82) همان، حديث 1042.

83) همان، حديث 1059.

84) همان، حديث 1069.

85) همان، حديث 1187.

86) همان، حديث 1422.

87) همان، حديث 1743.

88) همان، حديث 1736.